

سلسله درس های محدودیت  
حلقه سوم

# شناخت امام علیّه السلام

دکتر سید محمد کبیری مازنی



سرشناسه: بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹  
عنوان و نام پدیدآور: شناخت امام علی (ع): سلسله درس های مهدویت، حلقه سوم  
سید محمد بنی هاشمی.  
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.  
مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.  
شابک جلد سوم: ۶- ۱۵۰- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸  
شابک دوره: ۲- ۱۵۸- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیفا.  
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیر نویس.  
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. مهدویت.  
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث.  
رده بندی کنگره: ۱۴۸۸ س ۸۳ ب / ۲۳۴ BP  
رده بندی دیوبی: ۴۶۲ / ۲۹۷  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵

مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

شابک ۶- ۱۵۰- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸ - ISBN 978-964-539-150-6

## شناخت امام علی (ع)

سلسله درس های مهدویت (۳)

سید محمد بنی هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: سوم / ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: ماه منظر



تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه اسپردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹  
تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)

ایستگاه: monir\_publisher

پست الکترونیک: info@monir.com

کانال تلگرام: telegram.me/monirpub



این حلقه به نیابت از:

سومین سفیر و نایب خاص خاتم الاوصیاء علیهم السلام

جناب حسین بن روح نوبختی رحمته الله

به پیشگاه؛

پدر بزرگوار خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم

حضرت عبدالله بن عبدالمطلب علیه السلام

تقدیم می گردد.



## فهرست مطالب

### بخش اول: عاقبت به خیری اهل ولایت

۱۵	فصل اول: سعادت اهل ایمان به سبب ولایت
۱۵	درس اول: معرفت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ؛ معیار ارزش شخصیت انسان
۱۶	دینداری یعنی تسلیم نسبت به ولایت ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۷	مقایسه سینه دیندار با حسنة بی دین
۱۹	تفکیک شخصیت افراد از اعمال آنها
۲۳	درس دوم: نجات اهل ایمان به برکت ولایت ائمه <small>علیهم السلام</small>
۲۳	تاریکی گناهان
۲۵	پاکی اهل بهشت
۲۷	پاک شدن با آتش جهنم
۳۰	پاکی از گناهان با تحمل شدايد محشر
۳۴	درس سوم: تطهیر از گناهان در دنیا
۳۴	پاک شدن در دنیا به وسیله بلايا
۳۶	تطهیر از گناهان با سختی جان دادن
۳۹	انواع جان دادن مؤمن و کافر
۴۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۳



۱۰۰ ..... راه عاقبت به خیری

۱۰۱ ..... تأکید شدید ائمه علیهم السلام بر رعایت ورع

۱۰۲ ..... پیام امام باقر علیهما السلام به دوستان خود

۱۰۵ ..... درس نهم: رابطه ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام با طاعت و معصیت

۱۰۵ ..... تبعیت، لازمه محبت

۱۰۷ ..... تلازم ایمان با عمل

۱۱۰ ..... منبع خیرات بودن ولایت ائمه علیهم السلام

۱۱۲ ..... مغرور نشوید!

۱۱۳ ..... بازدارندگی محبت اهل بیت علیهم السلام از گناه

۱۱۵ ..... حالات مختلف دوستدار اهل بیت علیهم السلام

۱۱۸ ..... تأثیر متقابل محبت ائمه علیهم السلام و طاعات

۱۱۸ ..... بغض اهل بیت علیهم السلام بر اثر اصرار بر گناه

۱۲۰ ..... آثار مرگ با محبت یا بغض اهل بیت علیهم السلام

۱۲۳ ..... پرسش های مفهومی از درس های ۸ و ۹

□ بخش دوم: معرفت امام عصر علیهما السلام در زمان غیبت

۱۲۷ ..... فصل اول: عصاره دین: معرفت امام عصر علیهما السلام

۱۲۷ ..... درس دهم: عصاره دین: معرفت امام عصر علیهما السلام

۱۲۷ ..... معرفت امام عصر علیهما السلام، شرط لازم دینداری

۱۳۰ ..... موضوعیت داشتن معرفت امام عصر علیهما السلام

۱۳۰ ..... هدف از خلقت: معرفت امام عصر علیهما السلام

۱۳۲ ..... حکمت جناب لقمان

۱۳۵ ..... فصل دوم: دینداری در زمان غیبت

۱۳۵ ..... درس یازدهم: دینداری در زمان غیبت

۱۳۵ ..... غضب الهی در غیبت امام علیهما السلام

۴۳ ..... درس چهارم: تطهیر از گناهان در عالم برزخ (۱)

۴۴ ..... دو نمونه از عذابهای برزخی

۴۷ ..... نگرانی ائمه علیهم السلام: از برزخ شیعیان

۴۸ ..... شفاعت اهل بیت علیهم السلام: در برزخ

۵۵ ..... درس پنجم: تطهیر از گناهان در عالم برزخ (۲)

۵۵ ..... فشار قبر مؤمنان

۵۸ ..... عذاب آتش در برزخ

۶۳ ..... وضعیّت انسانها در عالم برزخ

۶۶ ..... درس ششم: عاقبت به خیر شدن مؤمنان

۶۶ ..... انواع تطهیر و اقسام شفاعت

۷۰ ..... مرحله قطعی نجات مؤمنان

۷۵ ..... درس هفتم: ایمان در وقت مرگ

۷۵ ..... ایمان مستقر و مستودع

۷۹ ..... توفیق الهی در کسب ایمان مستقر

۸۱ ..... نشانه ایمان مستقر و مستودع

۸۳ ..... سلب ایمان در یک روز

۸۴ ..... بهشتی بودن همه مؤمنان در دنیا

۸۵ ..... دعا برای حفظ دین تا هنگام مرگ

۹۰ ..... پرسش های مفهومی از درس های ۴ تا ۷

۹۱ ..... فصل دوم: رابطه ایمان و عمل

۹۱ ..... درس هشتم: صیانت از ایمان به وسیله ورع

۹۱ ..... معنای ورع

۹۴ ..... نزدیک نشدن به حریم الهی

۹۶ ..... اثر ناخشنودی مادر در هنگام مرگ

۹۸ ..... تأثیر ورع در تعمیق ایمان



۱۷۴	..... معرفت به اسم و صفت	۱۳۶	..... سنت قطعی الهی در سلب نعمت ها
۱۷۶	..... مراتب معرفت به صفت	۱۳۹	..... امتحان سخت دینداری در زمان غیبت
۱۸۰	..... مراتب معرفت اختیاری (اعتقاد)	۱۴۰	..... مردن یاد امام <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۱۸۳	..... معرفت قلبی به امام <small>علیه السلام</small>	۱۴۲	..... بی دین شدن ناخودآگاه
۱۸۷	..... درس پانزدهم: امام <small>علیه السلام</small> ، طیب جسم و روح	۱۴۳	..... گریه امام صادق <small>علیه السلام</small> به خاطر گرفتاری های مؤمنان در زمان غیبت
۱۸۷	..... ۱- طیبیت دوازدهم بطیبه	۱۴۵	..... حفظ دین در زمان غیبت
۱۹۱	..... طیبیت جسم	۱۴۶	..... دقت در غذای روح
۱۹۱	..... نمونه اول	۱۴۹	..... دینداری غریبانه
۱۹۳	..... نمونه دوم	۱۵۱	..... فصل سوم: معرفت امام <small>علیه السلام</small> ؛ تنها راه حفظ دین در زمان غیبت
۱۹۹	..... نمونه سوم	۱۵۱	..... درس دوازدهم: درخواست معرفت از خداوند در زمان غیبت
۲۰۲	..... نمونه چهارم	۱۵۱	..... چه باید کرد؟
۲۰۶	..... طیبیت روح	۱۵۲	..... نقش دعا در کسب معرفت
۲۰۸	..... درس شانزدهم: آبخار علم و کشتی نجات	۱۵۵	..... اهمیت دعای مأثور
۲۰۸	..... ۲- علم مصبوب	۱۵۷	..... نگرانی از بی دینی در زمان غیبت
۲۱۲	..... دستگیری علمی امام عصر <small>علیه السلام</small>	۱۵۹	..... محتوای دعاها در زمان غیبت
۲۱۲	..... نمونه اول	۱۶۱	..... درس سیزدهم: فضیلت پایداری بر ولایت امام <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۲۱۳	..... نمونه دوم	۱۶۱	..... شگفت ترین ایمان
۲۱۵	..... کرامتی از مرحوم شیخ انصاری	۱۶۳	..... برادران پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در زمان غیبت
۲۱۷	..... کرامتی دیگر از شیخ انصاری	۱۶۴	..... کمی مؤمنان حقیقی در زمان غیبت
۲۲۰	..... ۳- سفینه نجات	۱۶۶	..... کسب ثواب یاری امام <small>علیه السلام</small> در زمان ظهور با معرفت ایشان
۲۲۱	..... داستان دعای مشلول	۱۷۰	..... پرسش های مفهومی از درس های ۱۰ تا ۱۳
۲۲۸	..... درس هفدهم: فراخوان به سوی خدا و فریادرس بینوا	۱۷۳	..... فصل چهارم: شناخت اوصاف امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۲۸	..... ۴- داعی الله	۱۷۳	..... درس چهاردهم: مراتب معرفت امام <small>علیه السلام</small>
۲۳۰	..... ۵- فریادرس بیچارگان	۱۷۳	..... حد واجب معرفت امام <small>علیه السلام</small>
۲۳۵	..... توسل در حال عاقبت و بلا		
۲۳۸	..... تشرف مرحوم آیه الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی		

پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۴ تا ۱۷ ..... ۲۴۵

درس هجدهم: پناه از شیطان ..... ۲۴۷

۶- کهف حصین ..... ۲۴۷

روش‌های شیطان برای گمراه کردن انسان ..... ۲۵۲

تنه‌راه محفوظ ماندن از خطرات شیطان ..... ۲۶۰

درس نوزدهم: گواه بر خلق ..... ۲۶۳

۷- شاهد خدا بر خلق ..... ۲۶۳

عرضه اعمال بندگان بر پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام ..... ۲۷۰

حضور امام علی(ع) در تشییع جنازه شیعیان ..... ۲۷۶

درس بیستم: آب گوارا و مهریانتزین ..... ۲۸۱

۸- ساقی تشنگان ..... ۲۸۱

۹- رفیق مونس ..... ۲۸۴

۱۰- پدر دلسوز، برادر وفادار و مادر مهربان ..... ۲۸۷

پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۸ تا ۲۰ ..... ۲۹۵

فهرست منابع ..... ۲۹۷

# بخش ۱

## عاقبت به خیرمی‌اهل ولایت



# فصل ۱

## سعادت اهل ایمان به سبب ولایت

### درس اول: معرفت اهل بیت علیهم السلام؛ معیار ارزش شخصیت انسان

در مباحث حلقهٔ اول روشن شد که اسلام به عنوان دین، همان ایمان قلبی و تسلیم شدن به پیشگاه خدای متعال است. از مباحث حلقهٔ دوم نیز دانستیم حقیقت ایمان و روح اسلام عبارت از پذیرفتن ولایت اهل بیت علیهم السلام و تبرّی از دشمنان ایشان است. پس می‌توانیم مدّعی شویم که دین در اصطلاح کتاب و سنت مساوی است با معرفت اهل بیت علیهم السلام و تسلیم شدن نسبت به ایشان؛ که لازمه‌اش بیزاری جستن از دشمنان آنهاست.

از همین جهت در ذیل آیهٔ شریفهٔ «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (امام باقر علیه السلام چنین فرموده‌اند:

از مباحث حلقهٔ دوم روشن شد که ایمان همان معرفت امام علیه السلام و پذیرش ولایت اوست. از آنجا که عاقبت به خیری، دائر مدار ایمان است، در این بخش به این بحث می‌پردازیم که اهل ولایت نهایتاً بهشتی و عاقبت به خیر می‌شوند؛ هر چند که به سبب گناهانشان در یک یا چند مرحله از مراحل پیشین (دنیا، هنگام جان دادن، عالم برزخ، قیامت، عذاب موقت جهنم) به عذاب الهی گرفتار شوند.

البته ملاک ایمان، دارا بودن ولایت اهل بیت علیهم السلام تا هنگام مرگ است. پس کسی که پیش از مرگ، این ولایت را از دست بدهد، مشمول عاقبت به خیری نخواهد شد.





التَّسْلِيمُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِالْوَلَايَةِ<sup>۱</sup>

(منظور از اسلام عبارت است از) تسلیم شدن نسبت به حضرت علی بن ابی طالب(ع) به وسیله قبول ولایت ایشان.

## دینداری یعنی تسلیم نسبت به ولایت ائمه(ع)

تسلیم شدن نسبت به امیرالمؤمنین(ع) در واقع تسلیم در برابر خدای متعال است و اطاعت از ائمه(ع) از اطاعت خدا و رسول(ص) جدا نیست، بلکه تنها راه تحقق تسلیم و اطاعت نسبت به خداوند، همانا تسلیم شدن به ولایت اهل بیت(ع) می باشد. بنابراین، دین خلاصه می شود در قبول ولایت اهل بیت و اصل و حقیقت دین همین است. سایر اجزایی که گاهی در تعریف دین ذکر می شوند، نسبت به این اصل، جنبه فرعی دارند. کارهای نیک اعم از واجب و مستحب، همگی فروع دین محسوب می شوند و اگر آنچنانکه باید، انجام پذیرند، حالت تسلیم انسان را نسبت به خدا و اهل بیت(ع) عمیق تر می سازند.

پس دینداری در واقع به روح تسلیم و بندگی خدا اطلاق می شود که اعمال خارجی، اثر و نتیجه آن است. ارزش اعمال نیز به همان روح و حقیقتی است که باید داشته باشند و اگر حقیقت دین در آنها وجود نداشته باشد، اعمال جوارحی، صورتهای ظاهری هستند که هیچ ارزشی ندارند.

## مقایسه سبئه دیندار با حسنه بی دین

در مقام مقایسه، شخص دینداری که همه اعمالش پسندیده و نیکو نمی باشد، از فرد بیدینی که کارهای ظاهراً زیبایی دارد، بهتر و ارزشمندتر است. زیرا اولی از حقیقت دین بهره مند است ولی دومی هر چند کارهای به ظاهر خوبی دارد، اما این کارها فقط ظاهر امر است و از روح بندگی و تسلیم او در پیشگاه خداوند حکایت نمی کند. هیچ کس نمی تواند با اعمال ظاهراً پسندیده خود، خدا را بفریبد. آنچه اهمیت دارد، معرفت و تسلیم قلبی است و همه اعمال باید برخاسته از همان معرفت باشد که در این صورت اثرش از دیاد معرفت قلبی است. اگر چنین معرفتی وجود نداشته باشد، هیچ یک از آن اعمال ارزش ندارد و در پیشگاه خداوند مردود است. از همین جهت است که امیرالمؤمنین(ع) ما را چنین هشدار داده اند:

أَيُّهَا النَّاسُ! دِينَكُمْ! دِينَكُمْ! تَمَسَّكُوا بِهِ. وَ لَا يُزِيلَنَّكُمْ وَ لَا يَرُدَّنَكُمْ أَحَدٌ عَنْهُ. لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ. لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ تُغْفَرُ وَ الْحَسَنَةُ فِي غَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ.<sup>۱</sup>

ای مردم! مراقب دین خود باشید! مراقب دین خود باشید! به آن تمسک کنید. و کسی شما را از آن خارج نسازد و برنگرداند. زیرا کار بد در دین از کار خوب در غیر دین بهتر است. چون کار بد در دین بخشوده می شود، اما کار خوب در غیر دین پذیرفته نمی شود.

۱ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴.

۱ - معانی الاخبار، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.



نسبت به اعمال بد آنها هم و عده مغفرت داده شده است. متقابلاً منکران ولایت، خودشان مبعوض خدا هستند و اعمال خوب آنها شخصیت بی بهره از نور ایمانشان را تغییر نمی دهد.

### تفکیک شخصیت افراد از اعمال آنها

عاقبت انسان (سعادت یا شقاوت او) وابسته به ایمان یا کفر او است. اگر شخصیت آدمی از بعد ایمان و تدبیر مورد قبول خداوند قرار گیرد، اهل نجات است و در غیر این صورت هلاک می گردد. اعمال خوب هم در صورتی برای انسان فایده دارد که خودش خوب باشد. اگر اعمال خوب در مسیر بندگی خداوند باشد، مقبول است. این وقتی است که شخص، ولایت اهل بیت علیهم السلام را پذیرفته باشد؛ وگرنه هیچ یک از آن اعمال در مسیری که خداوند می خواهد، نیست و به همین جهت مردود است. البته گناهان اهل ولایت، شخصیت روحی و معنوی آنها را تحت تأثیر سوء خود قرار می دهد و چه بسا ایشان را از مسیر بندگی هم خارج کند، اما اگر چنین نشود - یعنی مؤمن ایمان خود را از دست ندهد - دست ولایت و سرپرستی خداوند نخواهد گذاشت که او در تاریکی گناهان باقی بماند و بالأخره او را از تاریکی خارج کرده، به روشنایی توبه و مغفرت الهی می رساند. این ولایت البته خاص مؤمنان است؛ یعنی کسانی که ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت گرامی ایشان را پذیرفته اند و با این کار، خود را تحت عنایت و سرپرستی آن بزرگواران قرار داده اند. عبدالله بن ابی یعفور می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: من تماس زیادی با مردم دارم و بسیار تعجب می کنم از کسانی که اهل ولایت شما نیستند

«حَسَنَه» به عملی گفته می شود که صرف نظر از قصد انجام دهنده آن، خوب و پسندیده است. «سَيِّئَه» عملی است که بدون در نظر گرفتن نیت قلبی انجام دهنده آن، بد و ناپسند است. دیندار به کسی اطلاق می شود که در مسیر بندگی خدا قرار دارد و کارهای خوبش نشان دهنده روح تسلیم و پذیرفتن ربوبیت پروردگارش است. چنین کسی اگر سیئه ای مرتکب شود، در حقیقت از وظیفه خود غافل شده و خداوند از روی رحمت و فضل خویش و عده مغفرت و گذشت نسبت به آن سیئه داده است. چنین کسی خودش محبوب خداست هر چند که عمل معصیت او مبعوض درگاه الهی است. اما فرد بی دین، چون تسلیم خدا و باب بندگی او نشده، خودش مبعوض خداست و اگر حسنه ای هم انجام دهد، چون از سر تسلیم و عبودیت نسبت به خدا نبوده، مقبول درگاه او نیست و ارزشی هم ندارد. بنابراین، معصیتی که انسان متدبیر انجام می دهد، از جهت عاقبت امر - نه از جهت نفس عمل - از کار خوبی که انسان بی دین انجام می دهد، بهتر است. زیرا اولی را خداوند می بخشاید ولی دومی هیچ یک از کارهای خوبش، در حقیقت اطاعت از خدا نیست و لذا پذیرفته نمی شود.

خلاصه اینکه خداوند از انسانها بندگی می خواهد و بندگی هم خلاصه می شود در پذیرفتن ولایت اهل بیت علیهم السلام. اعمال عبادی هم وقتی که در این مسیر باشد، ارزش پیدا می کند؛ وگرنه هیچ کار خوبی برای انسان باقی نمی ماند. آنچه شخصیت خود انسان را تشکیل می دهد، معرفت و ولایت اوست نه اعمال عبادی. بنابراین اهل معرفت، خودشان - به لحاظ شخصیت دینی خویش - محبوب خدا هستند و

اللَّهُ لَهُمُ النَّارَ مَعَ الْكُفَّارِ. «فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ».<sup>۱</sup>

آیا فرمودهٔ خدای عزوجل را نمی‌شنوی: «خداوند ولی کسان است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از تاریکی‌ها به سوی نور و روشنایی خارج می‌سازد.»؟! منظور (خارج کردن) از تاریکی‌های گناهان به سوی روشنایی توبه و مغفرت است. و علت آن، قبول ولایت پیشوایان عادل منصوب از جانب خداست. و نیز فرمود: «آنها که کافر شدند، سرپرست ایشان طاغوت است؛ آنها را از روشنایی خارج و به تاریکی‌ها وارد می‌سازند.» مقصود این است که آنها نور اسلام را دارا بودند، اما چون ولایت پیشوای ستمگری را که منصوب از جانب خدا نیست پذیرفتند، به خاطر قبول ولایت ایشان، از نور اسلام خارج شدند و به تاریکی‌های کفر وارد گردیدند. آنگاه خداوند هم برای ایشان، همراهی با کافران را در آتش واجب گردانید. (چنانکه می‌فرماید: «آنها اهل آتش هستند که همیشه در آن باقی خواهند بود.»)<sup>۲</sup>

در این حدیث صریحاً به بی‌دینی منکران ولایت هر چند که کارهای خوب هم داشته باشند، اشاره شده است. در مقابل تصریح شده است که اهل ولایت، خودشان - صرف نظر از گناهانشان که شایستهٔ نکوهش می‌باشد - قابل سرزنش نیستند. یعنی شخصیت دینی

و خود را پیرو فلان و فلان می‌دانند، اما امانتدار، راستگو و اهل وفای به عهد می‌باشند؛ و در مقابل کسانی هستند که ولایت شمای را پذیرفته‌اند، اما آن امانتداری و راستگویی و وفای به عهد را ندارند. چگونه چنین می‌شود؟

وقتی امام علی(ع) این سخن را شنیدند، راست نشستند و با خشمگینی رو به من کردند و سپس فرمودند:

لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهُ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ. وَ لَا عَتَبَ عَلَيَّ مَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ.

کسی که خدا را با پیروی از امام ستمگری که منصوب از طرف خدا نیست، دین‌ورزی کند، دین ندارد. و کسی که با قبول ولایت امام عادل منصوب از طرف خدا، دین‌ورزی کند، قابل سرزنش کردن نیست.

(ابن ابی‌یعفور می‌گوید: عرض کردم: آنها دین ندارند و اینها هم قابل سرزنش کردن نیستند؟! فرمودند: بله! آنها دین ندارند و اینها هم قابل سرزنش نیستند. سپس فرمود:

أَلَا تَسْمَعُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؟! يَعْنِي [مِنْ] ظُلُمَاتِ الذُّنُوبِ إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ؛ لِوَلَايَتِهِمْ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ. وَ قَالَ: «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَائُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ». إِنَّمَا عَنَى بِهَذَا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى نُورِ الْإِسْلَامِ، فَلَمَّا أَنْ تَوَلَّوْا كُلَّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، خَرَجُوا بِوَلَايَتِهِمْ [إِيَّاهُ] مِنَ نُورِ الْإِسْلَامِ إِلَى ظُلُمَاتِ الْكُفْرِ فَأَوْجَبَ

۱ - اصول کافی، کتاب الحجّة، باب فیمن دان الله عزوجل بغیر امام من الله جل جلاله، ح ۳.  
۲ - بقره / ۲۵۷.

آنان تا وقتی اهل ایمان هستند، ارزش خود را از دست نمی‌دهد. اعمال و صفات نکوهیده آنها را باید تخطئه کرد، ولی ولایت و ایمان ایشان قابل تقبیح نیست. اهل معرفت، خودشان خوب هستند؛ هر چند که اعمالشان بد باشد. امامان کران، خودشان بد هستند؛ هر چند که کارهایشان خوب باشد. یعنی کارهای خوب آنها را تحسین می‌کنیم، ولی خودشان را تقبیح می‌نماییم؛ زیرا در مسیر بندگی خدا نیستند.

## درس دوم: نجات اهل ایمان به برکت ولایت ائمه(ع)

### تاریکی گناهان

وعده‌ای که به اهل ایمان داده شده، این است که اگر پرونده اعمالشان سیاه است، خدا ایشان را به حال خود وانمی‌گذارد، بلکه موجبات پاک شدنشان را فراهم می‌سازد: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»<sup>۱</sup>.

چنانکه در درس گذشته دیدیم، امام صادق(ع) مقصود از «ظلمات» را تاریکی گناهان دانسته‌اند و در توضیح آیه شریفه فرموده‌اند: «يَعْنِي مِنَ الظُّلُمَاتِ الذُّنُوبِ إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ». آری؛ گناهان، قلب و روح انسان را آلوده و تاریک می‌کنند. از همین امام بزرگوار نقل شده است که فرمودند:

إِذَا أَذْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ فَإِنْ تَابَ انْمَحَتْ

۱ - بقره / ۲۵۷.